

و در سال شصت هجری یزید بر سر کار آمد...^۱

✱

حضرت سجاد علیه السلام و حج پیاده

حضرت سجاد علیه السلام از اوان کودکی و نوجوانی خود تا آخر عمر به صورت مکرر پیاده به حج خانه خدا مشرف می شدند.
در زمینه تشریف حضرت علی بن الحسین علیه السلام به حج در کودکی دو روایت وجود دارد:

۱ - ابراهیم بن ادهم و فتح الموصلی هر دو این قضیه را نقل کرده اند:

«من در بیابان با کاروانی طی طریق می کردم. حاجتی برایم پیش آمد و کمی از کاروان فاصله گرفتم. در این حال با کودکی برخورد کردم که پیاده راه می پیمود. با خود گفتم: «سبحان الله، بیابانی پهناور و کودکی در حال پیاده روی!!» پس به او نزدیک شدم و به او سلام نمودم. جواب سلامم را داد.

آنگاه به او گفتم: به کجا رهسپاری؟

گفت: خانه پروردگارم را اراده کرده ام.

گفتم: حبیب من تو کوچکی و بر تو نه واجبی است نه مستحبی.

او گفت: ای پیرمرد بزرگوار، آیا تا به حال ندیده ای افرادی که از

من کوچکتر بوده اند و مرده اند؟!!

۱ - شرح حال و فضایل خاندان نبوت، یوسف بن قزاوغلی ابن جوزی، ترجمه محمدرضا عطایی،

من گفتم: زاد و راحله تو کجاست؟

جواب داد: زاد و توشه من تقوای من است و مرکب سواری و راحله ام دو پای من و اراده و قصدم به سوی مولای خودم.

گفتم: من چیزی از غذا و طعام با تو نمی بینم.

گفت: ای شیخ آیا این عمل نیکوست که انسانی تو را به دعوتی بخواند آنگاه تو از خانه ات طعامی را برداشته و با خود همراه ببری؟
گفتم: نه.

گفت: کسی که مرا به خانه خود دعوت نموده است، همو مرا اطعام می کند و آب می آشاماند.

گفتم: بر مرکب من سوار شو تا به «مکه» برسیم و حج را ادراک کنی.

گفت: کوشش و تلاش از جانب من است و رساندن به عهده او.
آیا قول خدای متعال را شنیدی که می فرماید:

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ^۱

یعنی: و کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راههای خود را بر آنان می نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.

در این گیر و دار بودیم که جوانی خوش منظر در حالی که لباسهای سفید نیکویی پوشیده بود، رو به ما آورد و با آن کودک دست به گریبان هم فرو برده، دیده بوسی نمود و بر او سلام کرد.
من رو به آن جوان کرده و گفتم: تو را به کسی که تو را نیکو

آفریده، سوگند می دهیم این کودک کیست؟
گفت: آیا او را نمی شناسی؟ این علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است.

من جوان را رها کرده و به آن کودک رو آوردم و پرسیدم: این جوان کیست؟

گفت: او را نمی شناسی؟ این برادرم «خضر» است که هر روز به سراغ ما می آید و بر ما سلام می کند.

عرض کردم: شما را به حق پدرانتان سوگند می دهیم که مرا آگاه سازی از این که چگونه از بیابانهای بی آب و علف و صحراهای سوزان بدون زاد و توشه عبور می کنی؟

حضرت فرمود: نه، من با زاد و توشه عبور می کنم!! زاد و توشه من چهار چیز است.

همه دنیا را یکسره و بکلی می بینم که مملکت خداوند است اما همه خلق را می بینم که بندگان، کنیزان و عیال اویند، اسباب و روزیها را نیز به دست خداوند می بینم و قضاء الهی را در تمام زمین خداوند نافذ و جاری می بینم.^۱

۲ - عبدالله بن مبارک می گوید:

در بعضی از سالها به سمت مکه و به قصد حج در حرکت و در کنار حجاج در حال حرکت بودم، کودکی هفت یا هشت ساله را

۱ - بانک جامع جنت البقیع، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، نشر دیجیتالی ۱۳۹۲،

مشاهده کردم. او در گوشه ای بدون زاد و راحله، در حرکت بود. من به نزدش رفته بر او سلام کردم و گفتم:

با چه کسی بیابان را طی کردی؟

گفت: با شخص نیکوکار

پس در چشمان من او بزرگ آمد و لذا عرض کردم: پسر جانم

زاد و توشه و مرکب سواری شما کجاست؟

فرمود: زاد من، تقوای من است و راحله و مرکب سواریم دو پای

من، مولایم را نیز قصد کرده ام.

با شنیدن این سخنان شخصیت او در نفس من بسیار بزرگ

جلوه کرد و لذا گفتم: پسر من از کدام فامیل هستید؟

فرمود: از دودمان ابوطالب.

گفتم: بیشتر توضیح دهید.

فرمود: هاشمی هستم و باز که بیشتر توضیح خواستم.

فرمود: علوی و فاطمی می باشم.

گفتم: ای سید و آقای من آیا تاکنون شعری سروده اید؟

فرمود: بلی

گفتم: چند سطری از شعرت را برایم بخوان. حضرت این چنین

سرود:

- هر آینه ما پیش تازان ورود بر «حوض کوثر» هستیم و وارد

شوندگان بر آن را پشتیبانی نموده و آب می آشامانیم.

- هیچ کس به فوز رستگاری نرسید جز از طریق ما و هر کسی

که حب و محبت ما، زاد و توشه او بود، ضرر نکرده و محروم نماند.
 - هر کس ما را مسرور کند از طریق ما به او سرور و خوشحالی
 خواهد رسید و هر کسی به ما بدی کند، میلاد و مولد او بد می
 باشد.

- و هر کس حق ما را غصب کند، پس روز قیامت میعاد او
 خواهد بود.

سپس از چشمان من غائب شد تا اینکه به «مکه» رسیدیم و حج
 خود را به جا آورده و برگشتیم. به «ابطح» (که اسم وادی است)
 رسیدم. در آنجا حلقه ای دایره شکل دیدم، نزدیک رفته و بر آنها
 مشرف شدم تا بینم چه کسی آنجاست. در این حال همان کودک
 را دیدم، از اسم او که سؤال کردم، گفتند: او زین العابدین علیه السلام
 است.^۱

※

در کتاب الارشاد «شیخ مفید» آمده است:

حضرت علی بن الحسین علیه السلام به صورت پیاده حج بجا آوردند،
 پس فاصله «مدینه» تا «مکه» را در خلال بیست روز پیمودند.
 و «معتب» از امام صادق علیه السلام نیز نقل می کند که فرمودند:
 «حضرت سجاد علیه السلام پیاده به حج رفت پس فاصله بین «مدینه»

۱ - بحار الانوار، مجلسی، جلد ۴۶ ص ۹۱ و ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار علیهم السلام، نعمت الله

جزایری، ص ۴۴ و موسوعة أهل البيت علیهم السلام، علی عاشور، جلد ۱۱ ص ۶۶